

Journal of Imamiyyah Studies

Vol. 8, No. 16, March 2023

(DOI) 10.22034/jis.2022.292798.1677

Farhad Dafari's Methodology for Ideology Writing of Ismailism¹

Fariba Abbaspur^{*}

Mohammad Jawedan^{}, Hamidreza Shariatmadari^{***}**

(Received on: 2021-06-29; Accepted on: 2021-09-20)

Abstract

One of the most important ways to know sects is to examine their beliefs. In this century, many studies have been done on the beliefs of different sects. One of the researchers who have done a lot of research in the field of Ismailism and its history and thoughts is Farhad Dafari. This research aims to answer this question: Considering the importance of knowing the beliefs of the sects, what method or methods did Farhad Dafari use in examining the Ismaili beliefs? Of course, the purpose of this research is the doctrinal and theological teachings of Ismailism. By examining his writings and studies, it is concluded that Dafari has used many sources in his research of ideology writing of Ismailism and has presented the subject of ideology writing at the heart of Ismaili historiography. Furthermore, he has considered ideology writing along with the evolutions and developments of thought. This article is done by descriptive-analytical method and the data is collected from library sources.

Keywords: Methodology, Sect, Ismailism, Farhad Dafari, Ideology Writing.

1. This article is taken from: Fariba Abbaspur, "Methodology of Farhad Dafari's Studies about Ismailism", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Jawedan, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Shiite Sects, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), fabbaspour0@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mjavidan@urd.ac.ir.

*** Associate Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, shariat@urd.ac.ir.

روش‌شناسی فرهاد دفتری در عقیده‌نگاری فرقه اسماعیلیه^۱

فریبا عباس پور*

محمد جاودان**، حمیدرضا شریعتمداری***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹]

چکیده

بررسی عقاید مرتبط با فرق از مهم‌ترین راه‌های آشنایی با فرقه‌ها است. در قرن حاضر مطالعات بسیار در زمینه عقاید فرق مختلف انجام شده است. یکی از پژوهشگرانی که در زمینه اسماعیلیه و تاریخ و اندیشه‌های آنها پژوهش‌های فراوان انجام داده، فرهاد دفتری است. این پژوهش در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که: با توجه به اهمیت شناخت عقاید فرق، فرهاد دفتری در بررسی عقاید اسماعیلیه از چه روش یا روش‌هایی استفاده کرده است؟ البته منظور این پژوهش آموزه‌های اعتقادی و کلامی اسماعیلیه است. با بررسی تألیفات و مطالعات وی این نتیجه به دست آمد که دفتری در مطالعات عقیده‌نگاری‌اش استفاده و تتبع فراوان در منابع مختلف داشته و بحث عقیده‌نگاری را در دل تاریخ‌نگاری اسماعیلیه بیان کرده است. همچنین، عقیده‌نگاری را همراه تحولات و تطورات اندیشه ذکر کرده است. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و روش جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، فرقه، اسماعیلیه، فرهاد دفتری، عقیده‌نگاری.

۱. برگرفته از: فریبا عباس پور، «روش‌شناسی مطالعات فرهاد دفتری درباره فرقه اسماعیلیه»، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد جاودان، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.
* دانشجوی دکتری فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) fabbaspour0@gmail.com
** استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mjavdan1383@gmail.com
*** دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران shariat@urd.ac.ir

مقدمه

در طول تاریخ فرّق و مذاهب افرادی بودند که فارغ از اهدافشان، به مطالعه و بررسی سنن و عقاید یک فرقه یا جمعی از فرّق پرداخته‌اند. مذهب تشیع و فرّق آن نیز از این امر مستثنا نبوده و پژوهشگرانی بوده و هستند که به این کار همت گماشته و عقاید فرّق این مذهب را کاویده‌اند. فرقه اسماعیلیه به عنوان یکی از فرّق تشیع که در طول تاریخش فراز و نشیب‌های بسیار داشته و برخی از عقایدشان همواره محل بحث و جدل بوده، از جمله اینها است. پژوهشگران بسیاری در زمینه عقاید اسماعیلیه تحقیقات فراوانی انجام داده‌اند که یکی از آنها فرهاد دفتری^۱ است. با توجه به گستره مطالعات دفتری درباره اسماعیلیه و تعدد تألیفاتش در زمینه تاریخ و سنت‌های این فرقه، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که: وی در بررسی عقاید و اندیشه‌های اسماعیلیه از چه روش یا روش‌هایی بهره جسته است؟ همچنین، از چه منابعی و به چه نحو استفاده کرده است؟ آیا وی عقاید این فرقه را جداگانه بررسی کرده یا اینکه در خلال نقل و بررسی تاریخ به آن پرداخته است؟

مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش‌ها روش‌شناسی فرهاد دفتری در مطالعات فرقه اسماعیلیه را می‌کاود. به دلیل فقدان تحقیق مشابه، از پیشینه عام بهره برده‌ایم. با بررسی درباره تحقیقات روش‌شناسی و منابع و اسناد در این زمینه، تألیفی در این موضوع یافت نشد. درباره روش‌شناسی، تألیفات مختلفی انجام شده و روش‌شناسی‌های متعددی راجع به آثار شخصیت‌های علمی صورت گرفته است؛ اما درباره فرهاد دفتری و تألیفات وی و روش‌شناسی اندیشه‌نگاری‌اش پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین، به منابعی مراجعه کردیم که با موضوع محل بحث و اهداف این مقاله ارتباط دارد. البته مقالاتی با عنوان آرا و نظرات و نقد آثار وی نگاشته شده است. از جمله مقاله «در جست‌وجوی رستاخیز؛ سیری در کتاب اسماعیلیه، تاریخ و اعتقاداتشان» (امانت، ۱۳۷۱) که مؤلف علاوه بر معرفی کتاب دفتری، جداگانه هر فصل را ارزیابی، و نظر و انتقاداتش را بیان کرده است. کتاب *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ* (ملایی توانی، ۱۳۸۸)، علاوه بر مطالب مفید در زمینه روش تحقیق در تاریخ، فصلی را نیز به بحث روش‌شناسی

تحقیقات تاریخی اختصاص داده است. مؤلف مفاهیمی چون «تاریخ»، «فلسفه تاریخ»، «روش»، «روش تحقیق» و «روش‌شناسی» را تعریف و بررسی کرده و در مبحث روش‌شناسی معرفت علمی اهداف را مشخص کرده است. این کتاب در زمینه روش‌شناسی مطالب سودمندی دارد. اثر دیگر، مقاله «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی» (بهشتی مهر و تقی‌زاده، ۱۳۹۳) است. در این مقاله آثار مادلونگ در مطالعات شیعی و در مقایسه با آثار دیگر شیعه‌شناسان غربی معرفی می‌شود و نقاط قوت یا ویژگی‌های پژوهشی خاص این مستشرق را بیان می‌کند. ویلفرد مادلونگ از معاصران فرهاد دفتری است که بی‌شک و با توجه به گفته خود وی تحت تأثیر روش‌شناسی این محقق نیز بوده است. بنابراین، این مقاله به عنوان یکی از تألیفاتی که بحث روش‌شناسی مستشرقان را مطرح می‌کند از مطالب مفیدی برخوردار است.

قبل از ورود به بحث اصلی، دو کلیدواژه «روش‌شناسی» و «عقیده‌نگاری» را تعریف می‌کنیم تا مرادمان روشن‌تر شود.

۱. روش و روش‌شناسی

در هر پژوهش علمی راه و روش‌هایی نیاز است تا پژوهش به سرانجام برسد. مبحث روش و روش‌شناسی در علوم مختلف بسیار کاربرد دارد. روش‌شناسی برای هر علمی لازم و اساسی است. مباحث روش‌شناسی در حوزه پژوهش‌های تاریخی سابقه طولانی ندارد. در علوم انسانی، به‌ویژه تاریخ، روش‌های مختلفی برای بررسی وقایع تاریخی وجود دارد. شناخت این روش‌ها نیازمند علم و دانش خاصی است که در واقع همان «روش‌شناسی» است؛ اما واقعیت روش‌شناسی چیست؟

روش‌شناسی در مفهوم مطلقش به روش‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی از آنها استفاده می‌شود. روش‌شناسی در صدد شناخت روش علم است و در واقع نوعی علم درجه دو است که راهی را می‌کاود که ما را در علم خاصی به معرفت می‌رساند. به تعبیر دیگر، می‌توان آن را علم کشف راه بهره‌گیری از منابع برای

رسیدن به غایات و اهداف در علم خاصی دانست (برنجکار، ۱۳۹۱: ۳۷). روش‌شناسی را فرآیند چگونگی گردآوری اطلاعات و شواهد و تبدیل آنها به یافته‌ها به منظور دستیابی به دانش نیز دانسته‌اند (عابدی و شواخی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

۲. عقیده‌نگاری

در زبان انگلیسی «عقیده‌نگاری» (Ideology) به معنای ترسیم نگاره‌هایی است که بیانگر اندیشه‌های خاصی هستند. البته مقصود ما از عقیده‌نگاری، بحث هنری و به تصویر کشیدن اندیشه نیست، بلکه بحث ما چگونگی به نگارش درآوردن عقاید و سنت‌ها و اندیشه دینی فرقه (اسماعیلیه) است و مطلب اصلی این مقاله درباره نگارش و نوشتن اصول و عقاید است. برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش، آثار و تألیفات دفتری باید از ابعاد مختلف بررسی شود. به نظر می‌رسد نحوه بهره‌گیری دفتری از منابع، نحوه ورود به مباحث عقیدتی، میزان تحلیل و تبیین عقاید، جانبداری یا بی‌طرفی در بررسی عقاید (میزان سوگیری محقق)، و نحوه بررسی عقاید ما را در رسیدن به پاسخ پرسش‌ها یاری کند.

۳. تتبع در منابع مختلف و استفاده فراوان از آنها

بهره‌گیری از منابع متعدد در هر اثر پژوهشی کاری بسیار ارزشمند است. در زمینه به‌کارگیری منابع با مراجعه به آثار دفتری می‌توان فهمید که وی از منابع متعددی بهره برده است. تألیفات وی درباره اسماعیلیه از دید به‌کارگیری منابع پژوهشی کم‌مانند است. دفتری در قسمت عقاید اسماعیلیه نیز، همانند بخش تاریخ‌نگاری‌اش، از منابع دست‌اول اسماعیلی و همچنین منابعی که مخالفان این فرقه نوشته‌اند و تألیفات مستشرقان مختلف بهره فراوان برده است، که در ادامه به بخش‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد. یکی از روش‌های عام که دفتری بسیار استفاده کرده این است که وی در یادداشت‌های هر فصل از تألیفاتش علاوه بر ارجاع درباره موضوع محل بحث، منابع

متعدد دیگر را نیز برای مطالعه بیشتر و آگاهی بهتر در زمینه همان موضوع معرفی کرده است. در ادامه به بررسی نحوه بهره‌گیری دفتری از منابع مختلف می‌پردازیم.

۳.۱. استفاده از منابع محققان مستشرق

دفتری در بخش عقاید، از جمله منابعی که بسیار استفاده کرده، منابع و نتایج مطالعات مستشرقان در این زمینه است. مثلاً به هنگام بررسی عقیده «نص»، که از اصول پذیرفته‌شده این فرقه است، از دیدگاه مستشرقانی چون هاجسن بهره می‌برد. دفتری می‌گوید همان‌گونه که مارشال هاجسن یادآور شده است: «این اصل (نص) همچنین تحول روشمند اندیشه‌های مذهبی خاصی را سبب می‌شد که می‌توانستند در میان چنین گروه‌هایی از دگراندیشان بدون ایجاد رقابت در جلب توجه کافه مسلمانان پذیرفته آید» (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۰۴). وی همچنین درباره تاریخ و عقاید نزاریان دوره الموت، به‌ویژه در زمینه عقیده «تعلیم»، از دیدگاه هاجسن استفاده کرده است: «عقیده تعلیم که بر موق بودن تعلیم مستقل هر امامی در روزگار خود تأکید می‌نهاد، شالوده کلامی لازم را برای همه تعلیمات بعدی اسماعیلیان نزاری فراهم کرد» (دفتری، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

همچنین، دفتری در جای دیگری که به مبحث «تأویل‌گرایی» اسماعیلیه می‌پردازد از مقالات مستشرق معروف، هانری کربن، استفاده می‌کند و خواننده را برای مطالعه بیشتر به تألیفات وی ارجاع می‌دهد. کلمه «ولایت» را محققان غربی Initiation یا «تشریف» ترجمه کرده‌اند و هانری کربن کلمه «ولایت» را به کار برده است. دفتری در بخش منابع برای بررسی این واژه در میان غربیان به مقالات کربن ارجاع می‌دهد. یکی از ویژگی‌های روش دفتری در بررسی منابع مستشرقان این است که وی علاوه بر بیان تألیفات مستشرقان، دیدگاه آنها را نیز درباره موضوع واحدی توضیح می‌دهد. مثلاً درباره «ام‌الکتاب» به این شکل به جمع‌بندی می‌رسد:

به نظر ایوانف، این کتاب (ام‌الکتاب) باید پیش از آغاز قرن ۵ ق. نوشته شده باشد. هانری کربن نشئت آن را در محیط‌های شیعی قرن ۲ ق. که اسماعیلیه نخستین را پدید آوردند جست‌وجو می‌کند و مادلونگ بر این عقیده است که تحریر نهایی این کتاب احتمالاً در اوایل قرن ۶ ق. صورت گرفته است (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

روش‌شناسی فرهاد دفتری در عقیده‌نگاری فرقه اسماعیلیه / ۱۹۳

دفتری در بررسی اصلاحات دینی معزّ فاطمی، خواننده را به مقاله «امامت» ویلفرد مادلونگ، مستشرق معروف، ارجاع می‌دهد. وی برای بررسی این عقاید و اصلاحات از نظر این مستشرق نیز استفاده کرده است. همچنین، درباره مسائل و خط‌مشی‌های دینی مربوط به فاطمیان در شمال آفریقا از دیدگاه‌های مادلونگ در مقاله «سیاست دینی فاطمیان نسبت به اتباع سنی خود در مغرب» استفاده کرده است:

رعایای دولت فاطمی در شمال آفریقا بیشتر سنیان مالکی و خوارج بودند. این واقعیت برای فاطمیان نخستین تبلیغ و ترویج معتقدات اسماعیلی را در سراسر آفریقه دشوار می‌ساخت. هرچند برای مدتی کوشش می‌شد که فقهای مالکی را از مقامات نافذ در دستگاه حکومت کنار بگذارند (همان: ۲۰۵).

در جای دیگری از تألیفاتش درباره انشقاق میان اسماعیلیه نخستین به مقاله مادلونگ با عنوان «امامت در عقاید اسماعیلیه نخستین» مراجعه می‌کند و از دیدگاه این مستشرق نیز بهره می‌برد:

در میان خود اسماعیلیان، جوامع ایرانی از همان آغاز مشخصاتی پیدا کردند که آنها را از جوامع اسماعیلی سرزمین‌های عرب جدا می‌ساخت. به علت دوری مناطق ایرانی از پایگاه مرکزی دعوت و وسایل ناتوان و نابسامان ارتباطی آن زمان، داعیان عمده محلی در جهان ایرانی از استقلال زیادی برخوردار بودند و داشتن قدرت و ابتکارات محلی از همان آغاز به اسماعیلیه ایران مشخصه‌های ممتاز آن را داد (دفتری، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

در زمینه وجوه باطنی و گنوسی عقاید اسماعیلیان نخستین، به‌ویژه جهان‌شناسی آنها، دفتری به منابع متعددی از تألیفات مستشرقان مراجعه کرده است. هاینس هالم بیش از هر محقق جدید دیگری به مطالعه عقیده جهان‌شناسی اولیه اسماعیلیان پرداخته است. وی در واقع به بازسازی این عقیده بر مبنای شواهد و مدارک پراکنده‌ای اقدام کرده که در آثار و منابع بعدی باقی مانده و رساله کاملی در این باره به زبان آلمانی نوشته است.

دفتری با بیان این مسائل از یافته‌های این مستشرق نیز بهره برده است (همان: ۲۷). وی می‌گوید:

نهضت اکنون به نام محمد بن اسماعیل، به عنوان مهدی منتظر و قائم، دعوت می‌کرد. عقیده بر آن بود که محمد اختفا گزیده است و چون عن قریب ظهور کند عدل و داد را بر جهان خواهد گسترد و به هفتمین دور تاریخ انسان پایان خواهد داد. اسماعیلیان نخستین همچین نظریه دوری درباره تاریخ دینی و نظام کیهان‌شناسی خاصی از آن خود پرداخته بودند (دفتری، ۱۳۹۷: ۳۲).

۳.۲. استفاده از منابع امامیه

دفتری در راستای بررسی عقاید اسماعیلیه از منابع امامیه نیز استفاده کرده است، آثاری مثل *فرق الشیعة نوبختی*، *مقالات قمی*، *اصول کافی کلینی*، *مروج الذهب مسعودی*، *مقاتل اصفهانی* از این جمله است. وی همچنین برای تکمیل مطالعات خود در این زمینه از منابع شیعی امامیه معاصر مانند *منشور عقاید امامیه جعفر سبحانی*، *شیعه در اسلام طباطبایی* و ... نیز بهره برده است. مثلاً وی در بحث نظریه «امامت» به *اصول کافی* ارجاع می‌دهد:

مفهوم بنیادی نظریه شیعیان امامی درباره امامت در مجموعه بی‌شماری از احادیث، که عمدتاً از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است، مندرج است. این احادیث در قدیمی‌ترین مجموعه حدیث شیعی امامی به وسیله ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (وفات: ۹۴۰/۳۲۹-۹۴۱) برای ما محفوظ مانده است (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

۳.۳. استفاده از منابع نویسندگان مخالف

دفتری در بررسی جنبه‌های مختلف عقیدتی اسماعیلیه، علاوه بر منابع اسماعیلی، از منابع غیر اسماعیلی و بعضاً مخالف نیز استفاده کرده است. مثلاً وقتی درباره عقیده «تعلیم» در میان اسماعیلیان سخن می‌گوید می‌کوشد از منابع مخالف درباره این موضوع

روش‌شناسی فرهاد دفتری در عقیده‌نگاری فرقه اسماعیلیه / ۱۹۵

استفاده کند. بسیاری از متکلمان اهل سنت که سرکرده‌شان غزالی (۱۱۱۱/۵۰۵) بود، به این نظریه حمله کرده‌اند (دفتری، ۱۳۹۷: ۱۱۶).

دفتری در بخشی از تألیفاتش، زمانی که عقاید مخالفان اسماعیلیه را بیان می‌کند، به یکی دیگر از مخالفان اصلی اسماعیلیان نزاری اشاره می‌کند. وی می‌گوید نظام‌الملک، وزیر دانشمند سلجوقیان نخستین که مدت بیست سال حکمران واقعی مملکت سلجوقیان بود، فصلی طولانی از کتاب *سیاست‌نامه* را به رد و طرد اسماعیلیان اختصاص داد. نظام‌الملک مسلماً نظر و دید ضد اسماعیلی دستگاه حکومت عباسی را باز می‌تاباند، آنجا که با شدت و حدت می‌گوید: «هیچ گروهی نیست شوم‌تر و بددین‌تر و بدفعل‌تر از این قوم ... که از پس دیوارها بدی این مملکت می‌سگالند و فساد دین می‌جویند ... و هرچند ممکن باشد از فساد و قیل و قال و بدعت چیزی باقی نگذارند» (دفتری، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵).

۳.۴. استفاده از منابع دست‌اول اسماعیلیان

از دیگر روش‌های دفتری در استفاده از منابع، مراجعه به منابع اصلی فرقه اسماعیلیه است که اهمیت بسیار در شناخت تعالیم این فرقه دارد. مثلاً وی وقتی می‌خواهد عقاید فاطمیان را بررسی کند به یکی از منابع مهم عقیدتی اسماعیلیه، یعنی کتاب *الرسالة المذهبه قاضی نعمان* مراجعه می‌کند:

قاضی نعمان پس از بررسی اندیشه‌های مختلفی که شیعیان تا آن زمان درباره قائم اظهار داشته‌اند توضیح می‌دهد که قائم در اصل سه حد دارد: حد عالم جسمانی، حد قیامت در عالم روحانی و حد داوری در روز قیامت (دفتری، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

وی در مبحث تقسیم‌بندی دوری تاریخ به دورها و تفصیلات مربوط به این مطلب به کتاب‌های *الرشد*، و *الکشف جعفر بن منصور الیمن*، *اساس التأویل قاضی نعمان*، و *اثبات سجستانی*، که از منابع دست‌اول اسماعیلیه هستند، ارجاع می‌دهد. وقتی می‌خواهد

درباره عقیده قیامت به عنوان عقیده‌ای کلامی در میان اسماعیلیه نزاری سخن بگویند به یکی از منابع اصلی این دوره، یعنی *هفت باب سیدنا* درباره این عقیده رجوع می‌کند:

اعلام قیامت که بعدها به صورت یک عقیده کلامی پرداخته شد، بحث‌انگیزترین داستان در سراسر تاریخ نزاری است و پژوهندگان جدید در باب جنبه‌های مختلف این رویداد و التزامات آن برای جامعه نزاری میان خود اختلاف دارند. هر چه بوده باشد، قیامت دور روحانی و باطنی جدیدی در زندگی جامعه نزاری آغاز نهاد (دفتری، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

محدودیت منابع دست‌اول اسماعیلی

البته گذشته از نمونه‌هایی که ذکر شد و جزء نقاط قوت کار دفتری در زمینه استفاده از منابع است، وی در زمینه استفاده از منابع خود اسماعیلیان دچار محدودیت‌هایی بوده است:

در حقیقت، آنان از جمله جوامعی بوده‌اند که در دنیای اسلامی به شدیدترین وجه دست‌خوش تعقیب و آزار بوده‌اند. در نتیجه آنان مجبور بوده‌اند که بیشتر اوقات در خفا به سر برند و تعالیم و نوشته‌های خود را پنهان کنند (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۴).

بنا بر گفته خود دفتری، می‌توان تا حدی به روش وی در بررسی منابع و استفاده از منابع مختلف پی برد. وی در مقاله‌اش راجع به سنت‌های عقلانی اسماعیلیه می‌گوید:

همچنین، اسماعیلیان در مرحله اولیه و پیش از دوره فاطمی تاریخ خود تنها چند اثر عقیدتی پدید آوردند و بیشتر ترجیح می‌دادند که تعالیم خود را به طور شفاهی ترویج کنند. با این همه بر پایه انواع مختلفی از متون پیش از فاطمی و متون اسماعیلی بعدی و نیز برخی از نوشته‌های غیر اسماعیلیان می‌توان اصول عقاید اصلی اسماعیلیان نخستین را که شالوده‌های کلام اسماعیلی را نهادند و برخی دیگر از سنت‌های فکری و عقلانی جامعه آنها را توصیف کرد (دفتری، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

۴. نحوه ورود به مباحث عقیدتی

در این زمینه دفتری برای شروع کارش زمینه‌های شکل‌گیری فرقه اسماعیلیه را می‌کاود. در واقع، روش عمومی‌ای که در اکثر پژوهش‌های تاریخی استفاده می‌شود. وی بعد از پرداختن به تعالیم امام جعفر صادق (ع)، اصول امامت از دیدگاه شیعه و زمینه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری اسماعیلیه را بیان می‌کند. از جمله این زمینه‌ها بحث بر سر ابوالخطاب و اندیشه‌های او است. ابوالخطاب از جمله افرادی است که به غلو متهم شده و بر اساس منابع امامی گفته‌اند وی بر اسماعیل، فرزند امام جعفر صادق (ع) تأثیرگذار بوده است. پیروانش به «خطابیه» معروف‌اند. دفتری در بررسی زمینه‌های اعتقادی اسماعیلیه به سراغ ابوالخطاب و اندیشه‌هایش می‌رود تا زمینه‌های تأثیرگذاری وی بر اسماعیل و اسماعیلیه نخستین را بکاود. دفتری می‌گوید: «تنها اطلاعات مختصر و دسته‌گریخته‌ای در باب معتقدات ابوالخطاب و خطابیان اولیه به دست ما رسیده است. ابوالخطاب پیش از آنکه توسط امام صادق (ع) طرد شود مدعی بود که نایب و وصی امام است» (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

دفتری بحث درباره عقاید را با شیعه امامی آغاز می‌کند و در قسمت‌های مختلف می‌کوشد این دو گرایش تشیع را به یکدیگر ارتباط دهد و معتقد است سنت شیعه امامی میراث مشترک اسماعیلیان و دوازده‌امامیان است که در دوره سازندگی و شکل‌پذیری تشیع (که تا برآمدن عباسیان در سال ۱۳۲/۷۵۰ ادامه داشت) پرورده شد. این سنت با عقیده محوری شیعه به امامت، که پردازنده‌اش امام جعفر صادق (ع) و حلقه پیروانش بود و برخی از متکلمان مشهور زمان نیز از آن جمله بودند، به اوج خود رسید. از آن پس اصل عقیده امامت به صورت تعلیم اصلی کلامی شیعه امامی درآمد که دوازده‌امامیان و اسماعیلیان را شامل می‌شد (دفتری، ۱۳۸۰: ۱۰۰). دفتری از همان ابتدا برای بررسی عقاید اسماعیلیان به سراغ اسماعیلیه نخستین می‌رود و می‌گوید:

اسماعیلیان نخستین سنت‌های عقلانی اسماعیلی را نیز بنیان گذاشتند و این سنت‌ها در دوره خلافت فاطمیان پرداخته‌تر شد. آنان میان ظاهر و باطن متون

مقدس و احکام دینی تمایز قائل شدند و بر این اعتقاد بودند که در زیر هر معنای لفظی حقیقت درونی پنهانی وجود دارد (دفتری، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴).

دفتری قبل از ورود به مباحث عقیدتی درباره سرآغازهای اتهام به عقاید اسماعیلیه توضیحاتی می‌دهد. وی معتقد است سنّیان اهل جدل، که سرآغازشان ابن‌رزام بود، شروع به جعل مدارکی کردند که به رد و ابطال برخی از زمینه‌های عقیدتی اسماعیلیان کمک می‌کرد. چارچوب بنیادی نظام اندیشه دینی اسماعیلی در حقیقت در مرحله آغازین تاریخ اسماعیلیه گذاشته شده بود: «در واقع، قبل از آنکه شقاق سال ۸۹۹/۲۸۶ دعوت اسماعیلی را به دو گروه متخاصم تقسیم کند تمایز سنت‌های فکری و عقلانی اسماعیلی شکل مأنوس خود را پیدا کرده بود» (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

به نظر دفتری، اسماعیلیان نخستین در میان سنت شیعی امامی ظاهر شدند و جنبشی انقلابی را به نام امام اسماعیلی از اهل بیت سازمان دادند. از این‌رو معتقداتشان عمدتاً صبغه اسلامی دارد، هرچند از سنت‌های پیشین‌تر هم چیزهایی اخذ کرده است اما دشمنان و معاندان اسماعیلیه از همان آغاز کوشیدند عقاید آنان را ضداسلامی جلوه دهند و بگویند این عقاید در سنت‌های غیراسلامی، به‌ویژه دین‌های ثنوی ایرانی مختلف، همچون دین زرتشتی و مانوی، ریشه دارد. اما یافته‌های بررسی‌های جدید درباره عقاید نخستین اسماعیلیان این اتهامات را تأیید نمی‌کند. مثلاً اندیشه کونی و قدر منعکس‌کننده نوعی دوگانگی در نظام عالم، یعنی تضاد میان نور و ظلمت یا نیکی و بدی، که در بعضی سنت‌های دینی قدیمی‌تر می‌بینیم، نیست. شواهد موجود در واقع نشان می‌دهد که اسماعیلیان نظام گنوسی اصیلی از آن خود بنیان گذاشته‌اند، نظامی که در آن جهان‌شناسی با رستگاری‌شناسی و نظریه‌ای خاص درباره تاریخ دینی بشر ارتباط تنگاتنگ دارد (همان: ۱۷۱).

دفتری در تألیفاتش راجع به این فرقه کوشیده است ابتدا از عقاید اسماعیلیه نخستین کارش را آغاز کند و سپس این روند را تا دوره معاصر ادامه دهد. علاوه بر این، گاه این تعالیم را در دوره‌های مختلف تاریخی این فرقه نیز مقایسه کرده است. در این باره از

باب نمونه می‌توان بررسی دفتری از عقاید طیبی‌ها را ذکر کرد. وی معتقد است: «در زمینه عقاید، طیبی‌ها سنت‌های فاطمیان و بخش معتنابهی از ادبیات اسماعیلی فاطمی را حفظ کردند. آنان مانند فاطمیان بر اهمیت مساوی دانستن بُعد ظاهر و باطن دین تأکید می‌ورزیدند» (همان: ۳۳۲).

۵. میزان تحلیل و تبیین عقاید

از روش‌های خاص دفتری در مطالعات اسماعیلیه این است که بعد از بیان وقایع تاریخی هر جا که لازم دانسته وارد حوزه عقیدتی شده است. دفتری بعد از بیان تاریخ به تحولات و تطورات عقیدتی می‌پردازد و تاریخ اندیشه را در ضمن تاریخ بیان می‌کند. وی اندیشه‌نگاری را همراه تطور اندیشه‌های این فرقه بیان کرده است. عقیده‌نگاری در آثار وی در دل تاریخ‌نگاری بررسی شده است. دفتری می‌گوید آنچه ابتدا باعث ایجاد افتراق در حوزه شیعه شد همان بحث امامت است. اسماعیلیه نیز بعد از رحلت امام صادق (ع) پیرو اسماعیل، فرزند بزرگ ایشان، شدند که در زمان حیات امام وفات یافته بود و علی‌رغم تأکید امام بر وفات وی، باز گروهی به مهدویت وی معتقد شدند. عده‌ای دیگر اما پیروی از محمد بن اسماعیل را در پیش گرفتند؛ و بدین طریق بزرگ‌ترین انشعاب بعد از شهادت حضرت امام صادق (ع) شکل گرفت و فرقه اسماعیلیه متولد شد. مبحث امامت در طول تاریخ این فرقه فراز و نشیب بسیار داشته است. تاریخ این فرقه با عقایدش گره خورده و حول محور امامت انشعابات در این نحله شکل گرفته است. دفتری با آگاهی از این موضوع در میان مباحث تاریخی هر جا لازم بوده وارد عقاید شده است. همان‌طور که گفتیم، موضوع امامت در تاریخ تشیع و به‌ویژه اسماعیلیه اهمیت بسیار دارد. بعد از روی کار آمدن عبدالله المهدی و اصلاحات وی، تعالیم اسماعیلیان نیز تغییراتی کرد. در این زمینه دفتری بعد از بیان زمینه‌های شکل‌گیری فاطمیان و به قدرت رسیدن عبدالله المهدی، به سراغ پیامدهای این انشقاق می‌رود. در واقع، دفتری بعد از توصیف وقایع اتفاق‌افتاده تاریخی، شقاق سال ۸۹۹/۲۸۶ را عامل

ایجاد انشعاب در میان اسماعیلیه می‌داند و سپس آن واقعه را تحلیل و بررسی می‌کند. دفتری می‌گوید:

اصلاحات عبدالله المهدی نهضت یکپارچه اسماعیلی را به دو جناح رقیب تقسیم کرد. یک جناح، به رهبری مرکزی وفادار ماند و اقوال عبدالله را در باب اینکه امامت میان اجداد او نسل به نسل منتقل شده تا به وی رسیده است، پذیرفت. به این ترتیب، این گروه از اسماعیلیان که بعدها اسماعیلیان فاطمی خوانده شدند، قائل به تداوم امامت که بعداً از اصول رسمی اعتقادی فاطمیان شد، گشتند (دفتری، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۷).

در ادامه تحلیل و بررسی مبحث امامت اسماعیلی و تداوم آن، دفتری می‌گوید با انشقاق نزاری و مستعلوی شیوه پذیرش امام تغییر کرد. در شقاق بعدی، که دو شاخه طیبی و بُهره ایجاد شد، امامان مستعلوی طیبی با از بین رفتن امام خود الأمر و ناپدید شدن فرزند و جانشین او طیب، امام حاضر نداشتند و طبق اعتقاداتشان این ائمه تا حال حاضر در غیبت و استتار باقی مانده‌اند. در خصوص نزاری‌ها، که رهبری‌اش با حسن صباح و مرکزش قلعه الموت بود، بحث امامت این‌گونه ادامه یافت که بعد از قتل نزار دعوت توسط داعیان، که حجت‌های امام مستور نزاری نیز محسوب می‌شدند، رهبری می‌شد. حسن صباح نظریه امامت را با تعبیر و تفسیر جدیدی تحت عنوان «عقیده تعلیم» به صورتی پُر قوت‌تر، از نو بیان کرد و آن را محور اصلی تعلیم نزاری‌ها قرار داد. به عبارت دیگر، عقیده تعلیم با تأکید بر مرجعیت و موقعیت تعلیم مستقل هر امام در زمان خودش عقیده بنیادی نزاری شد (دفتری، ۱۳۸۱: ۳۰). بدین‌گونه دفتری در مبحث عقاید به صورت منظم و پیوسته مسائل مربوط به عقاید را در کنار وقایع تاریخی تحلیل می‌کند؛ و سیر تغییرات در عقاید را در طول تاریخ این فرقه نشان می‌دهد.

وی در ادامه تحلیل‌هایش از امامت درباره اصلاحات دینی معز فاطمی معتقد است اکنون در نتیجه به دست آمدن مأخذ اسماعیلی کاملاً روشن شده است که معز در حقیقت در تعلیم اسماعیلیه فاطمی تجدید نظر کرده و بعضی از عقاید اسماعیلیان

مخالف را در زمره این تعالیم آورده است. اصلاح دینی معزّ از جمله متضمن بازگشت جزئی به عقیده امامت، آن گونه که اکثریت اسماعیلیان نخستین قبول داشتند، بود. در ادامه می‌گوید بازتاب این اصلاح دینی را در آثار قاضی نعمان و جعفر بن منصور الیمن، مهم‌ترین مراجع معتبر اسماعیلی آن زمان، و در بعضی از نوشته‌های منسوب به خود معزّ می‌توان یافت (دفتری، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

این نکته را نیز باید یادآور شد که دفتری مباحث عقیدتی مربوط به اسماعیلیه را از همان ابتدای شکل‌گیری تا دوران معاصر در میان همه انشعابات اسماعیلی، اعم از اسماعیلیه نخستین، فاطمیان، نزاری‌ها و مستعلوی‌ها، طیبی‌ها و بهره‌ها بررسی کرده است. مثلاً مباحث جهان‌شناسی و تأویل‌گرایی و ... را در میان این شعب بررسی کرده و حتی تفاوت‌های عقیدتی را نیز بیان کرده است.

روش دیگر دفتری برای تبیین عقاید اسماعیلی این است که وی به تعریف برخی از واژگان و مفردات مهم در زمینه عقاید اسماعیلی پرداخته است. مثلاً وقتی درباره «نص»، که از واژگان معروف در زمینه امامت است، سخن می‌گوید در آغاز به تعریف این واژه و اهمیت آن می‌پردازد:

بررسی اصل نخست امامت، انتصاب از طریق نص بود. نص به امتیاز ویژه‌ای تعریف می‌شود که به شخص برگزیده‌ای از اهل بیت پیامبر (ص) از جانب خداوند اعطا می‌گشت و این شخص پیش از مرگش می‌توانست امامت را به هدایت الهی به جانشین خود با نص صریح تفویض کند. یعنی نص امامت را به نام او کند (همان: ۱۰۳).

در زمینه بررسی سیر تحول و تطور واژه «تأویل» نیز، دفتری ابتدا از این روش استفاده کرده، ذهن خواننده را برای ورود به این مبحث با تعریف این واژه آشنا می‌کند:

حقایق نهفته در کتب و شرایع منزل را می‌شد از طریق تأویل، یعنی تعبیر نمادین و تمثیلی یا تعبیر باطنی که بعداً عیار مذهب اسماعیلی شد، آشکار ساخت. «تأویل» را که در لغت به معنای بازبردن به اصل یا بیرون‌کشیدن باطن از ظاهر است باید از «تفسیر» که شرع و بیان معنای ظاهر کتب مقدس است و

نیز از «تنزیل» که با وحی کتب مقدس از طریق فرشتگان اشارت دارد متمایز داشت (همان: ۱۶۴).

در بررسی سیر تحول عقیده باطنی در میان اسماعیلیه اولیه دفتری معتقد است:

اسماعیلیان نخستین بر تمایز اساسی میان وجوه و ابعاد ظاهر و باطن صحیفه‌های مقدس و همچنین اوامر و نواهی دینی تأکید می‌گذاشتند و معتقد بودند که کتاب‌های منزل، از جمله قرآن و شریعت مقدس اسلام، دارای یک معنای ظاهر یا لفظی هستند که از معنای درونی حقیقت روحانی واقعی‌شان که در باطن نهفته است متمایز است (همان: ۱۶۲).

در بیان تطورات اندیشه هفت دوره در تاریخ مقدس دینی، دفتری بعد از بررسی زمینه‌های این نوع از عقاید می‌گوید:

اسماعیلیان قدیم معتقد بودند که تاریخ مقدس دینی بشریت در هفت دوره هر یک با حلول زمان مختلفی به پایان می‌رسد. هر دوره با پیامبری ناطق که آورنده وحی مُنزلی است که از جنبه ظاهر شریعتی را در بر دارد آغاز می‌شود (همان: ۱۶۵)

۶. جانبداری یا بی‌طرفی در بررسی عقاید: سوگیری محقق

یکی از مهم‌ترین مسائل در زمینه مطالعات تاریخی، به‌ویژه مباحث عقیدتی، رعایت بی‌طرفی راجع به هر فرقه و عقایدشان است. دفتری معتقد است محققان، چه در غرب و چه در جهان اسلام، شایسته نیست که با هیچ نوع پیش‌فرض یا پیش‌داوری مطالعاتشان را آغاز کنند تا بتوانند گروه یا گروه‌هایی را به هر دلیل محکوم کنند. باید با حفظ بی‌طرفی و استفاده از تمام منابع موجود در راستای کشف واقعیات با روش‌های علمی به مطالعات فرقه‌شناسی پرداخت تا نتایج مطلوب حاصل شود (دفتری، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۵). اسماعیلیه از جمله فرقی است که در طول تاریخ همواره با هجمه مخالفان مواجه بوده و اعضای این فرقه مجبور به رعایت تقیه و پنهان‌کردن عقاید خود بوده‌اند. دفتری با آگاهی از این موضوع در بررسی تألیفات مخالفان، اصل بی‌طرفی را رعایت کرده

روش‌شناسی فرهاد دفتری در عقیده‌نگاری فرقه اسماعیلیه / ۲۰۳

است. مثلاً وقتی درباره پیشرفت‌های جدید در پژوهش‌های اسماعیلی سخن می‌گوید، معتقد است:

پیشرفت‌های جدید در پژوهش‌های اسماعیلی در واقع نشان داده است که شرح ابن‌رزام و اخومحسن درباره اسماعیلیه صرف نظر از نیات دشمنانه و اتهامات باطلشان روشنی‌ارزشمندی بر آغاز کار اسماعیلیه می‌افکند. این شرح گذشته از آنکه نکات درست عقیدتی در بر دارد منبع عمده اطلاع ما از تاریخ نهضت اسماعیلی در نیمه دوم قرن ۳ ق. است (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

البته باید گفت دفتری علی‌رغم تأکیدی که بر مسئله بی‌طرفی می‌کند در برخی از مسائل عقیدتی، این اصل را رعایت نکرده است، از جمله قضاوت وی درباره ادامه نص جانشینی و امامت پس از حضرت امام صادق (ع)، تا جایی که آن را با یقین و بدون شک و تردید بیان می‌کند:

بنا بر بیشتر منابعی که در اختیار ما است، امام جعفر صادق (ع) دومین فرزند خود اسماعیل را از طریق نص به جانشینی خود نامزد کرد. در صحت و درستی این تصمیم و قرارداد نص امامت به نام اسماعیل، که اساس و شالوده ادعای اسماعیلیان را تشکیل می‌دهد، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست (همان: ۱۱۲).

۷. استفاده از روش مقایسه در بررسی عقاید

روش مقایسه‌ای از روش‌هایی است که محققان مختلف در پژوهش‌هایشان از آن استفاده می‌کنند. در روش مقایسه‌ای فقط به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها اکتفا نمی‌شود، بلکه با بیان آنها به تبیین نیز پرداخته می‌شود. با بررسی تألیفات دفتری مشخص می‌شود وی نیز در بخش تاریخ‌نگاری از این روش سود جسته است. در بخش مربوط به عقاید نیز وی مانند سایر محققان که به مطالعات مقایسه‌ای در زمینه ادیان می‌پردازند، اقدام کرده و با مقایسه برخی از عقاید آنها به تبیین این مسائل نیز پرداخته است. به‌علاوه،

دفتري معتقد است تفاوت بنيادی ميان فقه شيعی، اعم از اسماعیلی و غيراسماعیلی، و نظام‌های فقهی اهل سنت بر مدار عقیده امامت می‌چرخد:

برای شيعيان امام بالاترين مرجع تفسير و تعبير احكام الاهی و بعد از پیامبر (ص) یگانه منبع قواعد و قوانين و رفتار انسانی و عبادت است. برای اسماعیلیان به‌ویژه امام مفسر معانی باطنی قرآن و شریعت نیز هست. فقه اسماعیلی اهمیت خاصی برای اصول عقیده امامت قائل است (همان: ۲۱۳).

همچنین، دفتري وجه اشتراک دو جامعه شيعه امامی و اسماعیلی را بیان می‌کند و می‌گوید مهم‌ترین این وجه مشترک و اصلی‌ای که این دو جامعه از شيعيان را به هم مرتبط کرده همان نظریه امامت است که بر نیاز پیوسته و همیشگی بشر به وجود امامی مؤید به تأیید و مهتدی به هدایت الاهی و معصوم از خطا بنیان گذاشته شده است. درباره مسائل کلام، دفتري معتقد است در خصوص بسیاری از مباحث کلامی، شيعيان اثناعشری و اسماعیلیه توافق عقیده داشته‌اند. مثلاً در بحث فضا و قدر یا جبر، که در دوره امویان و اوایل عباسیان رایج بود، اسماعیلیان موضعی میانه اتخاذ می‌کردند (دفتري، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۸).

دفتري در ادامه به بیان اختلافات فقه امامی و اسماعیلی و اهل سنت نیز می‌پردازد. وی حتی به منصب قضاوت توجه می‌کند و می‌گوید در مراسم و شعائر عبادی میان شیوه عمل اسماعیلیان و شيعيان امامی تفاوت‌هایی وجود دارد. دفتري مباحث مربوط به فقه را طول و تفصیل می‌دهد و حتی گاه وارد برخی از جزئیات هم می‌شود. مثلاً می‌گوید در متمع میان اسماعیلیه و امامیه اختلاف وجود دارد. همین‌طور در ادامه مبحث فقه بحث «قاضیان» را نیز مطرح می‌کند.

وی می‌گوید ادبیات فقهی اسماعیلیان فاطمی در قیاس با چهار مذهب فقهی اهل سنت، و همچنین در مقایسه با مذهب اثناعشری بسیار محدود است. نظام فقهی اسماعیلی تقریباً منحصر به حاصل کوشش‌ها و آثار فقهی قاضی نعمان است (دفتري، ۱۳۹۳: ۲۱۵). اسماعیلیان دوره فاطمی و بعد از آن هماهنگ با شيعيان امامی، از آن‌رو از

مکتب‌های فقهی اهل سنت جدا می‌شوند که فقط آن احادیث و سنت‌های نبوی‌ای را قبول دارند که از طریق امامانشان از اهل بیت (ع) روایت و نقل شده است. مضافاً آنها احادیثی را هم پذیرا هستند که از امامانی نقل شده است که آن امامان را قبول دارند (دفتری، ۱۳۸۱: ۲۸). درباره اجتهاد نیز دفتری این عقیده را میان امامیه و اسماعیلیه بررسی می‌کند و می‌گوید:

در مذهب اثنا عشری، فقها که مجاز به صدور فتوای شرعی‌اند و در همه احوال به عنوان نمایندگان امام دوازدهم و غائب حضور دارند مفسر و شارح احکام شریعت شناخته می‌شوند؛ اما اسماعیلیان فاطمی، که امامشان همواره حی و حاضر بود، هرگز اجتهاد و تقلید را نپذیرفتند. به عبارت دیگر، فقه فاطمی فتوا و قضاوت و تفسیر احکام شرعی را از هیچ منبع و مرجع دیگری غیر از امام نمی‌پذیرد (دفتری، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

دفتری در راستای مطالعه مقایسه‌ای خود و بیان تمایزات و تفاوت‌ها و تبیین آنها، علاوه بر استفاده از این روش برای ارتباط میان فرقه شیعی و اهل سنت، تفاوت‌های نظریه امامت میان نزاری‌ها و طیبی‌ها را نیز بررسی می‌کند و می‌گوید هر دو نحله ادامه‌دهنده آن سنت محسوب می‌شوند، با این تفاوت که نزاریان همیشه تحت رهبری یک امام حاضر بوده‌اند ولی اسماعیلیان طیبی که از سال ۵۲۴ ه.ق. در دوره ستر از تاریخ مذهبی خود قرار داشته‌اند (دوره‌ای که امامانشان در غیبت باقی مانده‌اند) توسط داعیان با اختیارات مطلق هدایت شده‌اند (دفتری، ۱۳۸۱: ۳۲).

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. دفتری در بحث عقاید اسماعیلیه نیز همانند تاریخ‌نگاری خود از منابع متعدد استفاده کرده است.
۲. در زمینه استفاده دفتری از منابع می‌توان گفت وی تتبع فراوانی در منابع مختلف داشته است. دفتری منابع و دیدگاه‌های متعدد را مشاهده، و سپس بر اساس شواهد و

مدارک تحلیل و بررسی کرده است. این منابع در چند دسته بررسی شد. از جمله منابع مستشرقان، امامیه، مخالفان اسماعیلیه و منابع دست اول این فرقه؛ و نمونه‌هایی از این استفاده‌ها ذکر شد.

۳. دفتری در زمینه ورود به مباحث عقیدتی، در تألیفاتش زمانی که تاریخ را بیان می‌کند هر جا که لازم می‌بیند وارد مباحث عقیدتی این فرقه می‌شود. این یکی از روش‌های خاصی است که دفتری به کار برده است. در واقع، دفتری مانند آثار دیگری که به بررسی تاریخ و عقاید یک فرقه پرداخته‌اند عمل نکرده و بحث تاریخ و عقاید را جدا نکرده و در فصل‌های جداگانه‌ای به آنها پرداخته است. در کل، می‌توان گفت دفتری عقیده‌نگاری را در دل تاریخ‌نگاری اسماعیلیه انجام داده است.

۴. دفتری در زمینه عقیده‌نگاری از روش مقایسه‌ای نیز بهره برده و به تحلیل عقاید اسماعیلیه پرداخته است.

۵. از دیگر مسائلی که در باب بررسی عقاید بسیار اهمیت دارد، میزان رعایت بی‌طرفی یا پرهیز از جانبداری است که بنا بر گفته خود دفتری وی رعایت بی‌طرفی را کرده و تحقیقاتش صرفاً جنبه پژوهشی و علمی دارد. هرچند با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد چندان رعایت بی‌طرفی را نکرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهاد دفتری در ۱۳۱۷ در بلژیک متولد شد. تحصیلاتش را در ایران و سپس در اروپا و آمریکا انجام داد. بعد از آشنایی با آثار ایوانف در زمینه اسماعیلیه به مطالعه درباره این فرقه علاقه‌مند شد و شروع به تحقیقات در این زمینه کرد. دفتری اکنون رئیس مؤسسه مطالعات اسماعیلیه در لندن و همچنین مدیر بخش پژوهش‌های علمی و انتشارات آن مؤسسه است. وی در زمینه مطالعات اسلامی و تشیع بیش از ۱۴ کتاب و ۲۰۰ مقاله تألیف کرده است. کتاب‌هایش به زبان‌های مختلف ترجمه شده است (دفتری، ۱۳۹۳: ۲).

منابع

- امانت، عباس (۱۳۷۱). «در جست‌وجوی رستاخیز؛ سیری در کتاب اسماعیلیه تاریخ و اعتقاداتشان». در: *ایران‌نامه*، ش ۳۸، ص ۳۲۴-۳۴۲.
- برنجکار، رضا (۱۳۹۱). *روش‌شناسی علم کلام*، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- بهشتی مهر، احمد؛ تقی‌زاده، محمود (۱۳۹۳). «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، در: *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، س ۱۵، ش ۴، ص ۲۴-۴۳.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۱). «تاریخ و عقاید اسماعیلیه در گفت‌وگو با فرهاد دفتری»، در: *هفت آسمان*، س ۴، ش ۱۶، ص ۱۱-۴۶.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۲). *تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلی در سده‌های میانه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ پنجم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۸). *مختصری در تاریخ اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ سوم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۰). *تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلی در سده‌های میانه*، تهران: فرزانه روز، چاپ سوم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۳). *تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۶). *تاریخ معاصر اسماعیلیان: تداوم و تحول در جماعتی مسلمان*، ترجمه: رحیم غلامی، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۷). *افسانه حشاشین: اسطوره‌های فداییان اسماعیلی*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ پنجم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۸). *تاریخ تشیع*، ترجمه: رحیم غلامی، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۰). *سنت‌های عقلائی در اسلام*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ دوم.

۲۰۸ / پژوهش‌نامه امامیه، سال هشتم، شماره شانزدهم

عابدی، احمد؛ شواخی، علی‌رضا (۱۳۸۹). «مقایسه روش‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، در: راهبرد، س ۱۹، ش ۵۴، ص ۱۵۳-۱۶۸.

ملایی توانی، علی‌رضا (۱۳۸۸). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نی، چاپ سوم.

References

- Abedi, Ahmad; Showakhi, Ali Reza. "Moghayeseh Raweshshenasi Pajuhesh Kammi wa Keyfi dar Olum Raftari (Methodological Comparison of Quantitative and Qualitative Research in Behavioral Sciences)", in: *Strategy*, yr. 19, no. 54, pp. 153-168. [in Farsi]
- Amanat, Abbas. 1992. "Dar Jostojuy Rastakhiz; Seyri dar Kitab Ismailiyeh Tarikh wa Eteghadateshan (In search of Resurrection; A Look at the Book of Ismailis, Their History and Beliefs)", in: *Iranian Studies*, no. 38, pp. 324-342. [in Farsi]
- Beheshti Mehr, Ahmad; Taghizadeh, Mahmud. 2014. "Barresi Rawesh-ha wa Wijegihay Pajuheshi Wilferd Madelung dar Motaleat Shii (Investigating Wilfred Madelong's Research Methods and Features in Shiite Studies)", in: *Theological Philosophical Studies*, yr. 15, no. 4, pp. 24-43. [in Farsi]
- Berenjkar, Reza. 2012. *Raweshshenasi Elm Kalam (Methodology of Theology)*, Qom: House of Hadith, First Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2001. *Sonnat-hay Aghlani dar Islam (Rational Traditions in Islam)*, Translated by Fereydun Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, Second Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2002. "Tarikh wa Aghayed Ismailiyeh dar Goftogu ba Farhad Daftari (Ismaili History and Beliefs in an Interview with Farhad Daftari)", in: *Seven Heavens*, yr. 4, no. 16, pp. 11-46. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2003. *Tarikh wa Andisheh-hay Ismaili dar Sadeh-hay Miyaneh (Ismaili History and Thought in the Middle Ages)*, Translated by Fereydun Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2007. *Tarikh wa Aghayed Ismailiyeh (Ismaili History and Beliefs)*, Translated by Fereydun Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, Fifth Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2009. *Mokhtasari dar Tarikh Ismailiyeh (A Brief History of the Ismailism)*, Translated by Fereydun Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, Third Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2011. *Tarikh wa Andisheh-hay Ismaili dar Sadeh-hay Miyaneh (Ismaili History and Ideas in the Middle Centuries)*, Tehran: Farzan Ruz, Third Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2014. *Tarikh wa Sonnat-hay Ismailiyeh (Ismaili History and Traditions)*, Translated by Fereydun Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]

- Daftari, Farhad. 2017. *Tarikh Moaser Ismailiyan: Tadawom wa Tahawol dar Jamaati Mosalman (Contemporary History of Ismailism: Continuity and Transformation in a Muslim Community)*, Translated by Rahim Gholami, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2018. *Afsaneh Hashashin: Ostureh-hay Fadaiyyan Ismaili (The Legend of Hashashin: Myths of the Ismaili Devotees)*, Translated by Fereyduun Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, Fifth Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2019. *Tarikh Tashayyo (History of Shiism)*, Translated by Rahim Gholami, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]
- Molayi Tawani, Ali Reza. 2009. *Daramadi bar Rawesh Pajuhesh dar Tarikh (An Introduction to Research Methods in History)*, Tehran: Ney, Third Edition. [in Farsi]